منطقه ۱۲

گرچه بیشتر ساکنان روستای سیدعلی کوچ کرده‌اند، مسجد قدیمی آن همچنان یادآور هویت محله است

مسجد صاحب‌الزمان(عج)، چشم انتظار مرمت

عکس: هادی مؤدب/شهرآرا

رضا ریاحی| قدیمی‌ها به این ضرب‌المثل اعتقاد عجیبی دارند که می‌گوید: «از تو حرکت، از خدا برکت!» موضوعی که اهالی روستای «سیدعلی» هنگام ساخت مسجدشان آن را با پوست، گوشت و استخوانشان لمس کرده‌اند. شاید در هیچ جای ذهنشان خطور نمی‌کرد که با دست خالی و بدون همراهی و کمک سازمان‌های متولی، بتوانند در مسیر بنا کردن مسجدی گام بردارند که به آرزوی محالشان تبدیل شده بود، اما یا علی(ع) گفتند و کمر همت بستند و صفر تا صدش را به طور خودیاری، برنامه‌ریزی و شروع به ساخت کردند.

آن روزها خبری از شهر و بافت شهری نبود و «سیدعلی» نام یک روستای کوچک دور از شهر بود. کل جمعیت آن از پانزده خانوار بیشتر نمی‌شد. همان روستایی که حالا انگشت‌شمار از اهالی آن باقی مانده است و شصت سال پیش، سنگ‌بنای مسجد صاحب‌الزمان(عج) را گذاشتند.

زمین وقفی ارباب، مسجد شد

گاهی اوقات اگر بخواهیم از مکانی بنویسیم، باید بگردیم و تاریخچه آنجا را پیدا کنیم، اما حالا که قرارمان این است از تاریخچه مسجد صاحب‌الزمان(عج) در خیابان شاهنامه ۶۸ در محله چهاربرج صحبت کنیم، سند زنده آن پیش روی ما حضور دارد و می‌تواند از روزگار ساخت و تأسیس آن بگوید.

از همان اوایل دهه ۴۰ که ارباب روستای «سیدعلی» تصمیم گرفت بخشی از زمین‌هایش را وقف مسجد و حسینیه کند تا برای اوباقیات صالحات شود.

از اهالی قدیمی روستای سیدعلی که در ساخت مسجد حضور داشتند، افراد زیادی باقی نمانده‌اند، یکی از آن‌ها حاج محمد عیدی است.

او از همان سالی که مسجد صاحب‌الزمان(عج) ساخته شده تا کنون خادم مسجد است و به قول خودش شصت سالی می‌شود که کفش نمازگزاران را جفت می‌کند: سرزمین کشاورزی بودم که ارباب آمد و گفت اگر بخواهم زمین داخل روستا را مسجد کنم، کمک می‌کنید؟ من از خوش‌حالی گفتم حتما، خودم خادم مسجد می‌شوم؛ کار از همان جا آغاز شد، همسایه‌ها پای کار آمدند. خودم هم ساعت‌های بیکاری‌ام در بنایی کمک می‌کردم تا هر چه زودتر مسجد ساخته شود.

مسجدی که مردمی ساخته شد

برای ساخت مسجد صاحب‌الزمان(عج) اهالی آستین بالا زدند تا مسجدی را در روستای «سیدعلی» بسازند. مسجدی با سقف شیروانی به مساحت ۲۰۰ مترمربع که یک آبدارخانه کوچک، یک آشپزخانه و دو سرویس بهداشتی داشت و در زمینی به وسعت ۵۰۰ مترمربع احداث می‌شد: به همت اهالی هیچ هزینه‌ای برای نیروی کار پرداخت نشد، هر کسی هر چه دستش می‌رسید برای ساخت مسجد کمک می‌کرد. یکی چوب می‌آورد، یکی سطل می‌آورد، یکی کلنگ می‌زد، یکی گل مالی می‌کرد. سختی کار این بود که نه آب دم دستشان بود و نه مصالح. باید برای درست کردن یک تشت گل می‌رفتند سر قنات که از جلو قلعه رد می‌شد، با سطل آب می‌آوردند تا اُوستا ملات درست کند و آجرها را به هم بچسباند. خلاصه همه دوست داشتند نخودی در این آش بیندازند و ما را همراهی کنند. در آخر هم یک سال طول کشید تا بنای مسجد در یک طبقه ساخته شد و اهالی اولین نماز جماعت را در مسجد اقامه کردند.

مسجد حال و هوای قدیم را ندارد

هر یک از ما از همان دوران کودکی آرزوهایی داشته‌ایم که با تلاش و کوشش به برخی از آن‌ها رسیده‌ایم و هنوز در رؤیاهایمان آرزوهای دیگرمان را جست‌وجو می‌کنیم. فکر می‌کنم افراد کمی باشند که در همان کودکی آرزوی خادمی خانه خدا را داشته باشند. یکی از آن‌ها خادم مسجد صاحب‌الزمان(عج) است که حالا صدایش با بغض همراه شده است و حلقه اشک را می‌توانیم در چشمانش ببینیم. نمی‌دانم دلیلش مرور خاطرات است یا حسرت فراموشی برخی خاطرات خوش آن روزگار. او در این مسجد هم فراش و چراغدار بوده، هم خادم و آبدارچی، گاهی هم آشپز و میان‌دار هیئت. حاج محمد که امروز ۸۳ سال دارد، می‌گوید: هم‌زمان با ساخت این قلعه، پرچم عزاداری اهل بیت(ع) هم توسط جمعیت روستا که پانزده خانوار بیشتر نبودند برافراشته و مجالس عزاداری در خانه‌ها برپا شد. در واقع همین مجلس‌ها بهانه‌ای شدند برای ساخت بنای اولیه مسجد صاحب‌الزمان(عج) توسط قدیمی‌های روستای سیدعلی. از همان سال اول در مسجد بروبیایی بود، هر روز نزدیک به ۱۰۰ نفر برای نماز جماعت به مسجد می‌آمدند اما از هفت هشت سال پیش که ویلاسازی در این جا رونق گرفت و بومی‌ها زمین‌های کشاورزی را فروختند و به شهر رفتند، مسجد خلوت شد و حال و هوای گذشته را ندارد.

مسجدی که هرگز مرمت نشد

حاج محمد صحبتش را این گونه ادامه می‌دهد: حتی از دو سال پیش و با شیوع کرونا دیگر امام جماعت هم نداریم. برای همین به ندرت مردم برای نماز جماعت به مسجد می‌آیند. البته من معتقدم چراغ مسجد نباید خاموش بماند. به همین دلیل اگر کسی باشد یا نباشد، هر روز ظهر و مغرب در مسجد را باز می‌کنم، چراغ‌ها را روشن می‌کنم و از بلندگو اذان پخش می‌کنم تا مسجد سوت و کور نماند.

مسجد صاحب‌الزمان(عج) در طول حیات شش دهه‌اش هیچ‌گاه بازسازی و مرمت نشده است البته سال ۸۰ برخی خیران محلی مانند حاج اکبر سلیمانی دستی به سر و روی مسجد کشیدند، آن‌ها در گام نخست کل شیروانی و حلبی‌هایی که در آن کار شده بود، جمع و سقف مسجد را ایزوگام کردند، نمای مسجد هم سنگ کاری شد و تعدادی هم آب‌گردان، قِلِفت و ظروف پذیرایی برای مسجد خریدند. همین و بس!

حاج محمد عیدی می‌گوید: چند سال پیش که این محله به محدوده شهری متصل شد، از شهرداری آمدند و ایزوگام سقف مسجد را بازسازی کردند. قول دادند حیاط مسجد را که موزاییک‌هایش کنده شده و سرویس‌های بهداشتی را که دیگر قابل استفاده نیست هم مرمت کنند که دیگر خبری از آن‌ها نشد. سنگ‌نمای مسجد همین الان در حال ریزش است، روحانی هم نداریم.

مسجد، مهم‌ترین پایگاه مردمی محله

خادم قدیمی مسجد صاحب‌الزمان(عج) سری به نشانه تأسف تکان می‌دهد و می‌گوید: این مسجد در سال‌های گذشته مهم‌ترین پایگاه مردمی محله بوده است. اگر اختلافی بین اهالی پیش می‌آمد ریش‌سفیدها در همین مسجد بعد از نماز دور هم جمع می‌شدند و اهالی را که کدورتی بینشان پیش می‌آمد، آشتی می‌دادند. سال‌های اول انقلاب اسلامی در همین مسجد، اولین گروه بسیج محله شکل گرفت و بیشتر راهپیمایی‌ها در همین مسجد سامان‌دهی می‌شد، بعد از انقلاب هم بسیاری از جوانان در همین مسجد ثبت‌نام کردند و راهی جبهه شدند. هر سال در ماه مبارک رمضان، همین جا، دیگ‌های غذا را بار می‌گذاشتند و سفره افطار می‌انداختند. شب‌های قدر هر سال اینجا صد رکعت نماز قضا خوانده می‌شود، بعد دعای جوشن کبیر، قرآن به سر گرفتن و... هر سال دهه اول محرم مردم اینجا غوغا می‌کردند. این مسجد قدیم‌ها جای سوزن انداختن نبود، حیف!